

اشکال قاچاق کالا و چرایی جرم‌انگاری آن در حقوق ایران

اناصر قاسمی* | دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضائی و

خدمات اداری، تهران، ایران

اریحانه ملک‌زاده رودبناه | دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه

علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران

چکیده

قاچاق نوعی تجارت نامطلوب کالا است که قوانین و مقررات حاکم بر دادوستد کالاها را نادیده می‌گیرد و دستیابی به اهداف و برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور را با اختلال مواجه می‌سازد. در قوانین ما برخی از مصادیق قاچاق تخلف شناخته شده و برخی از آن جرم نامیده می‌شود. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و در صدد پاسخ به این سؤال است که قاچاق کالا به چه شکل یا اشکالی رخ می‌دهد و چه دلایلی قانونگذار را بر آن داشته که اصل کمینه کیفری را نادیده بگیرد و به جرم‌انگاری برخی از مصادیق این عمل بپردازد.

نتایج این تحقیق حاکی از آن است که قاچاق کالا از حیث نحوه ارتکاب، به دو شکل رخ می‌دهد؛ در برخی از موارد، این جرم با سوءاستفاده از هوش و ذکاوت مرتکبان رخ می‌دهد؛ در مقابل برخی از مصادیق آن با تکیه بر توان بدنی مرتکب به وقوع می‌پیوندد، مانند کولبری. با اینکه در نگاه اول این‌طور به نظر می‌رسد که جرم‌انگاری قاچاق در راستای حمایت از حقوق مالی دولت صورت گرفته، اما بررسی مصادیق مختلف این جرم مبین آن است که اهداف متعددی مدنظر قانونگذار بوده است؛ از جمله تأمین بهداشت عمومی، حفاظت از منابع طبیعی و حفظ و حراست از هویت ملی - مذهبی.

واژگان کلیدی: قاچاق، امنیت اقتصادی، بهداشت، هویت ملی، تولید داخلی.

مقدمه

در رفتار و روابط انسان‌ها، اصل بر آزادی و اباحه است و این امر بدان معناست که تا زمانی که ممنوعیتی در مورد رفتاری خاص وارد نشود، انجام آن مجاز است. به علاوه هر رفتاری در راستای محدود کردن اعمال انسان، نیازمند دلیل است. یکی از حوزه‌های فعالیت انسانی حوزه تجارت است. برای اینکه تجار و بازرگانان قادر به فعالیت تجاری و اقتصادی باشند، باید از آزادی کافی برخوردار باشند، اما این بدان معنا نیست که اشتغال به تجارت هیچ قیدوبند و محدودیتی ندارد. آزادی در حوزه تجارت، اهمیت بسیاری دارد. از زمان‌های قدیم اقتصاددانان بر آثار مثبت تجارت آزاد بر نرخ رشد اقتصادی آگاه بوده‌اند. طبق نظریه‌های اقتصادی، تجارت آزاد به توزیع بهینه عوامل تولید و در نتیجه حداکثر شدن رشد منجر می‌شود. در یک اقتصاد باز از آنجایی که تجار بنگاه‌ها به بازارهای بزرگ‌تری دسترسی دارند، لذا انگیزه و امکان بیشتری در به‌کارگیری ابتکارات و اختراعات و بهره بردن از منافع تولید انبوه دارند. این امر به افزایش سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش رشد درآمد ناخالص داخلی منجر می‌شود (اکبریان، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

بشر در طول زمان، اهمیت آزادی تجاری و دسترسی به تجارت آزاد را درک کرده و نتیجه این درک، تلاش برای تشکیل گات و سازمان تجارت جهانی بوده است. سازمان تجارت جهانی یکی از مهم‌ترین سازمان‌های تأثیرگذار در سطح بین‌المللی به‌شمار می‌رود. هدف اولیه و اساسی این سازمان آزادسازی تجاری و رفع هرگونه تبعیض در عرصه تجارت جهانی است. به عبارت بهتر جامعه جهانی با پیش‌بینی این سازمان می‌کوشد تا ضمن نظم بخشیدن به روابط تجاری بین‌المللی، با یکسان‌سازی قواعد تجارت جهانی، امکان دسترسی تمام دولت‌ها و ملت‌ها به بازارهای جهانی را فراهم آورد.

در حوزه تجارت نیز همانند حوزه‌های دیگر فعالیت‌های افراد، کارشکنی و تخلفات متعددی به وقوع می‌پیوندد که می‌تواند مسیر هموار فعالیت تجاری را با موانعی همراه سازد؛ از همین رو دولت‌ها مداخله خود را در این مسیر لازم دانسته و اقدام به درج ضمانت اجرای کیفری برای برخی از این اقدامات مخالف مقررات کرده‌اند. یکی از این ضمانت اجراها به شکل جرم‌انگاری قاچاق بروز و ظهور کرده است.

قاچاق کالا یکی از جرائم مبتلابه دنیای امروز و یکی از بلاهای اجتماعی است که تبعات متعددی به دنبال دارد. امروزه این جرم در دسته‌بندی جرائم اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و مهم‌ترین تأثیر شیوع و گسترش آن را می‌توان به‌طور واضح در تضعیف وضعیت اقتصادی دید، ولی

آثار منفی این جرم به همین جا ختم نمی‌شود و به تبع مشکلات اقتصادی، مشکلات دیگری نیز در پی خواهد آمد.

به موجب گزارش اعلامی از سوی رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در پایان سال ۱۴۰۰، ارزش کالاهای قاچاق ۱۲ و نیم میلیارد دلار اعلام شده است (<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/12/08/2673451>). این رقم به قدری بالاست که می‌تواند تعادل نظام اقتصادی کشور را برهم زند. به همین جهت لزوم مبارزه با این پدیده مجرمانه، خصوصاً در شرایط حال حاضر کشور که اقتصاد داخلی به دلیل تحریم‌های جهانی، شکننده و آسیب‌پذیرتر شده است، بیشتر احساس می‌شود. البته شایسته توجه است که امروزه به دلیل گستردگی آثار این جرم، مبارزه با این پدیده نه تنها در کشور ما اهمیت یافته، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز مد نظر بوده و تلاش‌هایی در این راستا به عمل آمده است. بی‌تردید مقابله با این جرم، با تلاش در عرصه داخلی و بدون همکاری‌های بین‌المللی میسر نبوده و کنترل آن، منوط به همکاری کشورهای مختلف و نهادهای بین‌المللی است.

برای مبارزه صحیح با هر پدیده مجرمانه ابتدا باید شناخت درستی از آن پدیده حاصل شود. از این رو در نوشتار حاضر ابتدا به ارائه تعریف این جرم پرداخته می‌شود و سپس اشکال تحقق آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه عللی که توجیه‌کننده توسل به ضمانت اجرای کیفری در مبارزه با این عمل است مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۱. قاچاق کالا

قاچاق یک مفهوم حقوقی است که پیش از هر چیز باید به آن پرداخته شود. شناخت این مفهوم حقوقی، زمینه‌ساز مقابله با این پدیده مجرمانه و کنترل آن خواهد بود. به همین منظور ابتدا به تعریف این مفهوم در عرصه داخلی پرداخته می‌شود و در ادامه به بررسی این مفهوم در عرصه بین‌المللی اشاره مختصری خواهد شد.

۱-۱. مفهوم قاچاق کالا در عرصه داخلی

کلمه قاچاق از کلمه ترکی قاچماق مشتق شده و به معنای ربوده یا برده است (دهخدا، ۱۳۳۹/۳۸: ۱۸؛ ماندگار، ۱۳۹۶: ۱۷۹). مفهوم اصطلاحی و حقوقی قاچاق، از مفهوم لغوی آن دور نیست و به طور کلی به هر نوع معامله یا مبادله کالا با پول یا با کالای دیگر که حکومت برای آن محدودیت و یا ممنوعیتی ایجاد کرده باشد، قاچاق گفته می‌شود (بی‌نا، ۱۳۹۵: ۱۳).

قاچاق نوعی تجارت نامطلوب کالا است که قوانین و مقررات حاکم بر دادوستد کالاها را دور می‌زند و اقتصاد کشور را از مسیر صحیح آن منحرف می‌کند و دستیابی به اهداف و برنامه‌های توسعه اقتصادی را با اختلال و دشواری مواجه می‌سازد. قاچاق اصولاً یک فعالیت غیرعادی است که با بروز آن در اقتصاد هر کشوری، اعتبار و منزلت اجتماعی آن کشور در جامعه تجارت جهانی خدشه‌دار می‌شود. قاچاقچیان با اقدامات خود موجب بروز اختلال در اقتصاد جامعه می‌شوند. آن‌ها در مقابل خروج کالاهای مورد نیاز مردم و منابع ملی، اقدام به وارد کردن کالاهایی می‌کنند که به تهاجم شدیدی بر ضد تولیدکنندگان داخلی منجر می‌شود (ابراهیم‌وند، ۱۳۹۱: ۱۹۸).

امروزه وقتی سخن از قاچاق به میان می‌آید متبادر به ذهن این است که برای تحقق این جرم، لزوماً کالا یا خدمات، باید از مرزهای کشور عبور کند و بدون عبور از مرز، قاچاقی رخ نمی‌دهد. این در حالی است که بررسی مصادیق این جرم در متون قانونی کنونی، نادرستی این برداشت را آشکار می‌کند و تحقق برخی از مصادیق این جرم بدون عبور کالا یا خدمات از مرز، متصور است. در سابقه تقنینی جرم قاچاق در ایران نیز مفهوم گسترده از قاچاق مدنظر بوده است؛ به نحوی که هر جا که عوارض و مالیات‌های متعلقه به مناسبات اقتصادی پرداخت نمی‌شد و یا انحصارات وضع شده توسط دولت‌ها از سوی افراد عادی نقض می‌شد، به آن عمل قاچاق اطلاق می‌شد؛ ماده ۱ قانون انحصار نمک مصوب ۱۳۲۸ق معادل ۱۲۸۸ش مثال مناسبی در این خصوص است. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که معنای حقوقی قاچاق و مصادیق آن در سابقه تقنینی ایران، فراتر از معنای ورود و خروج کالا از مرزهای کشور است (الهام و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۱).

یکی از مصادیق قاچاق کالا در مواردی را که مرز، در آن نقشی ندارد می‌توان در تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به شکل خرید، فروش، حمل یا نگهداری کالاها به صورت تجاری خارج از ضوابط تعیینی دولت دید.

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به عنوان اصلی‌ترین قانونی که در این خصوص به تصویب رسیده، در بند الف ماده ۱ اقدام به تعریف قاچاق کالا و ارز کرده است و در این تعریف عبارت «نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا» نقشی کلیدی ایفا می‌کند. اقداماتی از قبیل تشریفات گمرکی و بانک، اخذ مجوزهای لازم و ارائه به مراجع ذی‌ربط مثال‌هایی برای این تشریفات هستند.

در مقام ارزیابی تعریف ارائه شده در قانون فوق‌الذکر باید به موارد زیر اشاره کرد:

اولاً، این تعریف تنها به مصادیقی از قاچاق نظر دارد که لزوماً با عبور از مرز در ارتباط است و به سایر اشکال قاچاق که به قاچاق داخلی مشهور است اشاره‌ای ندارد و این مصادیق را در خود جای نمی‌دهد؛ به عبارت بهتر این تعریف جامع همه مصادیق قاچاق نیست. ثانیاً این تعریف علاوه بر ارائه یک معیار در شناسایی مصادیق قاچاق که همان نقض تشریفات قانونی است، مصادیق آن را محصور به مواردی کرده است که براساس قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد؛ بنابراین دو شرط برای جای دادن یک عمل تحت عنوان جرم قاچاق باید احراز شود: اولاً، نقض تشریفات قانونی واردات و صادرات کالا و ارز و ثانیاً، پیش‌بینی عمل در قوانین موضوعه تحت عنوان قاچاق و تعیین مجازات برای آن. نتیجه این است که چنانچه عملی نقض تشریفات قانونی مربوط به قاچاق کالا و ارز باشد، ولی در هیچ قانونی برای آن مجازات در نظر گرفته نشده باشد، تحت عنوان قاچاق جای نمی‌گیرد.

از مجموع آنچه مورد اشاره قرار گرفت این نتیجه حاصل می‌شود که در تعریف قاچاق دو نکته اساسی وجود دارد:

۱. مرز: مرزهای سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد سیاسی از واحدهای دیگر است و خطوط مرزی، خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند (میرحیدر، ۱۳۷۳: ۱۶۱؛ کمان‌باز و دیگران، ۱۳۹۴: ۵). این عنصر نه در تمامی مصادیق قاچاق، بلکه در اغلب آن‌ها نقش اساسی ایفا می‌کند.

۲. حقوق و عوارض گمرکی: منظور از حقوق و عوارض گمرکی، همان حقوق مالی دولت است که در زمان اقدام به واردات و صادرات از واردکنندگان و نیز صادرکنندگان کالاها اخذ می‌شود.

نقش محوری و اساسی دو نکته فوق در تعریف پدیده قاچاق به هیچ وجه قابل انکار نیست، اما برای ارائه تعریف دقیقی از آن و نیز شناسایی دقیق مصادیق آن لازم است عوامل دیگری نیز مدنظر قرار گیرد. این موارد به شرح زیر است:

۳. قواعد و مقررات لازم‌الرعایه در مورد ممنوعیت‌های وارداتی و صادراتی: اقدام به صادرات و واردات تحت نظارت گمرک و با لحاظ قوانین و مقررات گسترده این حوزه صورت می‌گیرد. کالاها از حیث جواز یا ممنوعیت واردات و صادرات وضعیت مشابهی نداشته و همین امر در برخی از مصادیق قاچاق نقش اساسی ایفا می‌کند؛ به‌عنوان مثال برخی از کالاها مطلقاً از حیث

واردات و صادرات مجاز تلقی می‌شوند و با پرداخت حقوق و عوارض گمرکی، فرد قادر است نسبت به واردات و صادرات آن اقدام نماید. در مقابل ورود و صدور برخی از کالاها مطلقاً ممنوع است و در هیچ شرایطی افراد قادر نخواهند بود به واردات و صادرات آن‌ها اقدام نمایند. نادیده گرفتن ممنوعیت‌ها، موجب شکل‌گیری برخی از مصادیق قاچاق می‌شود.

۴. اخذ مجوزهای لازم: واردات و صادرات برخی از کالاها مجاز است، ولی پیش شرط واردات آن، اخذ برخی از مجوزها از نهادها و سازمان‌های مربوطه است. تخطی از این مقررات موجب قرار گرفتن عمل ذیل عنوان قاچاق می‌شود.

با توجه به قوانین و مقررات مختلفی که در زمینه جرم قاچاق کالا و تخلفات گمرکی وجود دارد و همچنین با توجه به اینکه گستره متنوعی از اقدامات ذیل این عنوان جای می‌گیرند، می‌توان تعریف کلی زیر را که عام‌الشمول بوده و تقریباً بر تمام انواع قاچاق دلالت داشته باشد، پذیرفت: قاچاق عبارت است از واردات و صادرات کالاها بدون لحاظ ممنوعیت‌ها، محدودیت‌ها و پیش شرط‌های وضع شده توسط دولت و نیز سایر اقداماتی که به موجب قوانین ذیل این عنوان جای می‌گیرند.

در بیان لزوم مبارزه با این جرم همین بس که گفته شود قاچاق می‌تواند زمینه‌ساز جرائم دیگری باشد و سلسله‌ای از جرائم دیگر را به دنبال خود داشته باشد. از این رو عدم مبارزه صحیح و به‌موقع با این جرم، می‌تواند نظم و امنیت جامعه را به طرز قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهد. لکن مبارزه با آن میسر نخواهد بود، مگر اینکه شناخت درستی از این جرم حاصل شود؛ لذا در همین راستا به طرق ارتکاب این جرم و دلایل زمینه‌ساز و توجیه‌کننده جرم‌انگاری آن پرداخته می‌شود.

۲-۱. مفهوم قاچاق کالا در حقوق بین‌الملل

قاچاق کالا به‌عنوان یکی از مشکلات و معضله‌های اقتصادی، مورد توجه غالب کشورهای و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته و اسناد متعددی در رابطه با پیشگیری و مقابله با این پدیده به تصویب رسیده‌اند؛ برای مثال کنوانسیون گمرکی ترانزیت بین‌المللی کالاها مصوب ۱۹۷۱، کنوانسیون بین‌المللی نظام هماهنگ شده توصیف و کدگذاری کالاها مصوب ۱۹۸۳، کنوانسیون بین‌المللی کمک‌های متقابل اداری به منظور پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی مصوب ۱۹۷۷، کنوانسیون گمرکی سازمان ملل متحد در رابطه با حمل و نقل بین‌المللی کالا تحت پوشش کارنه تیر از جمله کنوانسیون‌هایی هستند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با موضوع

قاچاق ارتباط پیدا می‌کنند. به علاوه نهادهای بین‌المللی چون سازمان ملل متحد و سازمان جهانی تجارت و سازمان جهانی گمرک نیز به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته‌اند؛ لکن تنها در برخی از این اسناد و نهادهای بین‌المللی قاچاق به صراحت تعریف شده است.

براساس فرهنگ لغت آکسفورد، قاچاق به معنی جرم بردن، ارسال یا وارد کردن کالا به صورت مخفیانه و غیرقانونی به داخل یا خارج از کشور است (Ahmed Talukder, 2019: 9). طبق تعریف سازمان جهانی گمرک قاچاق تخلفی گمرکی است و شامل جابه‌جایی کالا در طول مرز گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی (نوری، ۱۳۸۲: ۱۵۰).

بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی کمک‌های متقابل اداری به منظور پیشگیری، تجسس و جلوگیری از تخلفات گمرکی مصوب ۱۹۷۷ نیز قاچاق را اینچنین تعریف کرده است: قاچاق عبارت است از تقلب گمرکی که شامل گذراندن مخفیانه کالا به هر طریقی از مرزهای گمرکی است.

این تعاریف نیز همانند آنچه در مورد تعریف مذکور در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آمده است، تنها اشکالی از قاچاق را مد نظر قرار داده است که با عبور از مرز تحقق می‌یابد و در این تعاریف مصادیق این جرم که مرز در تحقق آن‌ها نقشی ندارد، مغفول مانده است.

۲. نحوه ارتکاب جرم قاچاق کالا

صرف نظر از تعاریف قانونی داخلی و بین‌المللی و تعاریف ارائه شده از سوی دکترین حقوقی، به‌طورکلی قاچاق به دو شکل تحقق می‌یابد: قاچاق کالا با شرایط جرم یقه‌سفیدی و قاچاق کالا با تکیه بر توانمندی فیزیکی.

۲-۱. ارتکاب قاچاق کالا با شرایط جرم یقه‌سفیدی

اصطلاح جرم یقه‌سفید توسط جرم‌شناسانی از جمله ساترلند به ادبیات حقوق کیفری وارد شده است. در کتاب جرم یقه‌سفیدها، ساترلند این اصطلاح را به جرائم ارتكابی اشخاص قابل احترام که از موقعیت ممتاز اجتماعی برخوردارند اطلاق کرده است (Sutherland, 1983). به نقل از موسوی مجاب، (۱۳۸۳، ۶۶). همان‌طور که از این تعریف برمی‌آید، در ابتدا برای تعریف جرم یقه‌سفیدی، تمرکز بر مرتکب و جایگاه اجتماعی وی بوده است؛ لکن درگذر زمان این باور دچار تحولاتی شده است.

امروزه باور بر این است که شرایط و احوال اجتماعی مرتکب نمی‌تواند به‌عنوان یک متغیر توصیفی در تعریف جرم یقه‌سفیدی مورد استفاده قرار گیرد (Benson & Simpson, 2009).
 (7)؛ همسو با تحلیل‌های زمینه‌ای که مبین کمبودهای درونی عقیده ساترلند در تعریف جرم یقه‌سفیدی است، در برخی منابع آمده است که این تعریف (بر مبنای ویژگی‌های مرتکب) دارای یک ساختار ناتوان برای نظریه‌پردازی است (Braithwaite, 1985: 3). در همین راستا شاپیرو (Shapiro, 1990: 357) معتقد است جرم یقه‌سفیدی باید مد نظر قرار گیرد و نه مجرم یقه‌سفید (Levi & Lord, 2017: 3).

امروزه این باور ایجاد شده که تعاریف مجرم‌مدار از جرم یقه‌سفیدی یک چارچوب محصورکننده را ایجاد می‌کند (بنسون، ۱۳۹۱: ۴۳) و به همین دلیل رویکرد فوق‌الذکر در مورد جرم یقه‌سفیدی دگرگون شده و اندیشمندان این حوزه، تمرکز خود را از شخص مجرم و موقعیت و وضعیت اجتماعی وی، به ماهیت رفتار غیرقانونی چرخانده و رویکرد جرم‌مدارانه در تعریف جرم یقه‌سفیدها ارائه داده‌اند.

امروزه جرم یقه‌سفیدی یک رفتار یا مجموعه‌ای از رفتارهای غیرقانونی است که با استفاده از وسایل غیرفیزیکی و از طریق کتمان کردن یا حیل و تزویر و با هدف تحصیل پول یا مال یا عدم پرداخت وجه یا خسارت پول یا مال یا تحصیل امتیاز شغلی یا شخصی ارتکاب می‌یابد. این تعریف بزهکاری یقه‌سفیدی را براساس وسایلی که جرم با استفاده از آن‌ها انجام می‌شود، به‌ویژه وسایل غیرفیزیکی که شامل اخفا و کتمان و حیل و تزویر می‌شود تعریف می‌کند (حبیب‌زاده مؤمن و وروایی، ۱۳۹۶: ۲۰۸).

گونه‌های مختلف جرم یقه‌سفیدها در کسب‌وکار و مشاغل، اصولاً شامل سوءاستفاده از اعتماد تفویض‌شده یا ضمنی است و بسیاری از آنان را می‌توان در دو مقوله گنجانند؛ اول، تدلیس در ارزش‌داری و دوم، تزویر در استفاده درست از قدرت. اولی تقریباً همان فریب و یا کلاه‌برداری و دومی شبیه حقه‌بازی است (شاپیرو، ۱۳۸۶: ۱۸۸).

قاچاق در شکل یقه‌سفیدی با سوءاستفاده از هوش و ذکاوت و برنامه‌ریزی دقیق مرتکبان رخ می‌دهد؛ مانند جعل اسناد و مدارک گمرکی، اظهار خلاف واقع کالاها، کم‌نمایی ارزش واقعی کالاها (خضرزاده، ۱۳۸۹: ۷۸). قاچاقچی یقه‌سید، بدون اینکه از نیروی بدنی خود استفاده کند، با اظهار خلاف واقع کالاها و پنهان کردن ماهیت کالای ممنوع، کم‌تر نشان دادن ارزش واقعی کالاها برای پرداخت عوارض گمرکی کم‌تر، جعل مجوزهای لازم برای واردات برخی محصولات و اقدامات مشابه، به اندیشه مجرمانه خود جامه عمل می‌پوشاند. در این موارد عمل جابه‌جایی کالا

از مرز، به صورت کاملاً آشکار و علنی و با ظاهری موجه و قانونی به وقوع می‌پیوندد؛ لکن ماهیت کالاها و یا ارزش مالی آن‌هاست که پنهان شده است.

یکی از نمودهای قاچاق در شکل یقه‌سفیدی و سوءاستفاده از هوش و تکنولوژی را می‌توان در قاچاق مواد مخدر دید. براساس گزارش بی‌بی‌سی که در ۱۶ اکتبر ۲۰۱۳ منتشر شد (<https://www.bbc.com/news/world-europe-24539417>)، قاچاقچیان مواد مخدر هکرها را برای هک استخدام می‌کنند تا با دسترسی به سیستم IT، حرکت کانتینرها را در محوطه کشتی کنترل کنند و از این طریق حمل‌ونقل داروها را تسهیل نمایند.

آنچه در خصوص جرائم یقه‌سفیدی علی‌الخصوص قاچاق در شکل یک جرم یقه‌سفیدی شایسته توجه است این است که این دسته از مجرمان به دلیل نیازهای روزمره خود مرتکب جرم نمی‌شوند؛ بلکه آنان به دنبال زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی مرتکب جرم می‌شوند (Frieberg, 2001: 7). به عبارت بهتر مجرم یقه‌سفید، نه از روی اضطرار و برای تأمین معاش خود و خانواده خود، بلکه برای مال‌اندوزی بیشتر دست به ارتکاب جرم می‌زند. از سوی دیگر وسعت فعالیت مجرم یقه‌سفید نسبت به مجرم یقه آبی گسترده‌تر بوده و آسیب‌های ناشی از عملکرد گروه اول نیز بیشتر خواهد بود. دقیقاً به همین سبب است که در مبارزه با این مجرمان اتخاذ رویکرد سخت‌گیرانه‌تری ضروری است.

۲-۲. ارتکاب قاچاق کالا با تکیه بر توانمندی فیزیکی

در مقابل برخی از مصادیق این جرم، نه با تکیه بر هوش و ذکاوت بلکه با تکیه بر توان بدنی مرتکب رخ می‌دهد. در مورد دسته اخیر ساکنان مناطق مرزی نقش اساسی را ایفا می‌کنند؛ به دلیل تفاوت سطح توسعه اقتصادی، فناوری، تولید صنعتی و کشاورزی در دو سوی مرز، مناطق مرزی دو کشور، محل مبادلات اقتصادی، فناوری و انواع تولیدات کالا و خدمات بین دو کشور است (معصومی و قاسمی، ۱۳۸۸: ۳۵). تبعیض و نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های اشتغال و درآمد در میان مناطق مرزی و غیرمرزی کشور، مهم‌ترین عاملی است که پیامدهایی چون فقر، مهاجرت و قاچاق را در پی دارد (همان، ۳۶). به همین سبب است که قاچاق در شکل جرم یقه آبی، غالباً از سوی ساکنان مناطق مرزی رخ می‌دهد. برخی از مصادیق آن به شرح زیر است:

۲-۲-۱. کولبری

کولبری اصطلاحی است که توسط مردم محلی مناطق کردنشین استفاده و به افرادی گفته می‌شود که برای کسب درآمد جهت گذران زندگی خود به حمل اجناسی بین دو طرف خط مرزی مبادرت

می‌ورزند. کولبران بیشتر در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام مشغول به کار هستند. در واقع کولبران به دلیل بیکاری و از روی ناچاری و در قبال دستمزد ناچیز اقدام به عبور غیرقانونی از مرز و حمل و ورود کالای غیرقانونی خارجی می‌کنند. این افراد با پای پیاده از مرز عبور می‌کنند و به کشورهای همسایه وارد می‌شوند و پس از تهیه جنسی که باید از مرز عبور داده شود، فقط و فقط با تکیه بر قوای جسمانی خود از راه‌های صعب‌العبور، وارد کشور می‌شوند و اقدام به فروش کالا می‌کنند. کولبری در کنار منافع محدود، مخاطرات بسیاری برای کولبران به همراه دارد. هر ساله بیش از ده‌ها نفر از کولبران جان خود را در مناطق مرزی در اثر حوادثی چون تیراندازی نیروهای نظامی و انتظامی و یا در اثر برخورد با مین‌های جامانده از دوران جنگ تحمیلی از دست می‌دهند (زارع شاه‌آبادی و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳۸).

گفتنی است قاچاق به شکل کولبری هیچ محمل قانونی‌ای نداشته و بر اثر یک رویه ناصحیح رواج یافته است، لکن با توجه به جزئی بودن کالاهای وارده و نیز در نظر گرفتن شرایط و موقعیتی که ساکنان مناطق مرزی در آن قرار دارند و محرومیت‌های ایشان، همان‌طور که در بیانات رهبر انقلاب آمده است، مقابله جدی با ایشان ضروری نیست و می‌توان نسبت به ایشان مسامحه کرد، اما باید توجه داشت که مسامحه با ایشان نباید موجب مشروعیت بخشیدن به عملکرد ایشان باشد؛ توضیح اینکه نگاهی به تیترو روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها گویای آن است که جامعه به سمتی در حرکت است که اقدامات ایشان را نه تنها به رسمیت بشناسد، بلکه ستایش نیز بنماید.

برای مثال برخی از تیتروهای خبری به شرح زیر است: ایجاد معبر اختصاصی کولبران در منطقه ویژه اقتصادی میرجاوه تصویب شد (شمسی گوشکی، ۱۴۰۰)؛ کولبری به زودی رسمیت می‌یابد/درج شناسه کالا برای اقلام وارداتی کولبران الزامی خواهد بود (دژمان، ۱۳۹۹) و مانند این‌ها حکایت از مشروعیت بخشیدن به یک فعالیت ناصحیح است و دولت می‌تواند به جای مساعدت با ایشان در راستای تثبیت و تقویت عملکرد ایشان، زمینه‌های اشتغال مشروع آنان را فراهم آورد.

۲-۲-۲. کالای همراه مسافر

مسافر در فرهنگ لغات به معنی کسی است که از شهری به شهر دیگر می‌رود. به موجب قانون به مسافر (صرف‌نظر از اینکه از اتباع ایران باشد یا نباشد) اجازه داده می‌شود علاوه بر کالاهای شخصی خود، کالاهایی را با معافیت از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی وارد کند. ماده ۱۳۸ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی، مستند قانونی این معافیت است. به استناد این ماده در صورتی که

ارزش کالای همراه مسافر مازاد بر ۸۰ دلار نباشد، از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی معاف است. کالاهای دارای ارزش مازاد بر این مبلغ با رعایت شرایط زیر از شمول عنوان قاچاق خارج است: در خصوص کالاهای مجاز یا مجاز مشروط تشریفات گمرکی رعایت گردد و در مورد کالاهای ممنوعه وفق مقررات نسبت به عبور خارجی یا مرجوع کردن کالا اقدام شود.

بنابراین وقتی سخن از واردات کالا توسط مسافران به عمل می‌آید، منظور رعایت نصاب مذکور در ماده فوق‌الاشاره است، لکن این بدان معنا نیست که مازاد بر آن مصداق قاچاق خواهد بود، بلکه با رعایت شروط پیش‌گفته، کالای مازاد بر نصاب فوق نیز از شمول عنوان قاچاق خارج خواهد بود، اما چنانچه مسافر از اظهار کالای مازاد بر نصاب فوق اجتناب ورزد و سعی در کتمان کردن آن و عدم پرداخت عوارض گمرکی داشته باشد، عمل مصداق قاچاق تلقی می‌شود.

متأسفانه تجربه سال‌های اخیر حکایت از آن دارد که این مقررۀ قانونی مورد سوءاستفاده‌های بسیاری قرار گرفته و افراد برای فرار از پرداخت عوارض گمرکی به روش‌های متعددی از جمله تقسیم بار میان مسافران یک پرواز متوسل می‌شوند.

۲-۲-۳. کالای ته لنجی

لنج نوعی کشتی کوچک است که به جای بادبان، با موتور به حرکت در می‌آید. این کشتی کوچک هم برای حمل مسافر مورد استفاده قرار می‌گیرد و هم برای حمل بار. بند چ ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در مقام بیان یکی از مصادیق قاچاق به «واردات کالای تجاری توسط ملوانان با استفاده از تسهیلات در نظر گرفته‌شده در قوانین و مقررات مربوط برای کالاهای مورد مصرف شخصی در صورتی که به عنوان تجاری اظهار نگردد» اشاره دارد. از این مقررۀ برداشت می‌شود که ملوانان اجازه دارند با رعایت شرایطی، کالاهایی را برای مصرف شخصی خود وارد کنند؛ در صورتی که با استفاده از این تسهیلات، کالای تجاری وارد و به عنوان تجاری، کالای وارده را اظهار کنند نیز عمل مصداق قاچاق نخواهد بود، لکن چنانچه اقدام به واردات کالای تجاری کنند، ولی از اظهار آن به گمرک اجتناب ورزند، در این حالت است که کالای واردشده کالای قاچاق تلقی می‌شود.

این معافیت و تسهیلات در بند ۱ ماده ۵ و بند ۲ ماده ۴ و ماده ۱۰ و ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی قانون صادرات و واردات به رسمیت شناخته شده است؛ بدون اینکه این آیین‌نامه حدود و ثغور معافیت را پیش‌بینی کرده باشد.

ارزش ریالی کالاهایی که ملوانان با معافیت از پرداخت عوارض گمرکی می‌توانند وارد کنند در ماده ۷ آیین‌نامه ورود کالا توسط ملوانان شناورهای دریایی سنتی با ظرفیت کمتر از ۵۰۰ تن (لنج تجاری) و ساماندهی و نوسازی آن شناورها مشخص شده است. به موجب این ماده پیش‌شرط استفاده از این معافیت آن است که قرار گرفتن ملوانان شاغل در آن شناور تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی و برخوردار شدن آنان از مزایای بیمه تأمین اجتماعی است. این پیش‌شرط بدان سبب در متون قانونی راه یافته است تا مانع از آن باشد که شخص یا اشخاصی خود را به‌عنوان ملوان معرفی کنند و از این معافیت سوءاستفاده نمایند. نصاب کالاهای معاف از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی در هر سال برای هر شناور و هر ملوان حداکثر شش نوبت و در هر نوبت به ازای هر ملوان تا سقف ۱۵۰ میلیون ریال است.

چنانچه واردات کالا توسط ملوانان و شناورها از این میزان عبور کند، ایشان ملزم به اظهار کالای وارده هستند و در صورت عدم اظهار، کالا، قاچاق تلقی می‌شود. نتیجه اینکه همانند آنچه در مورد کالای همراه مسافر گفته شد، علی‌رغم اینکه قانون‌گذار برای کالای وارده از این طریق نصاب ریالی پیش‌بینی کرده است، اما مازاد بر آن نیز به شرط اظهار کالا به نحو صحیح در گمرک و پرداخت عوارض گمرکی، از شمول عنوان قاچاق خارج است. ناگفته پیداست هدف اصلی، حفظ حقوق مالی دولت است.

حال سؤال این است که منظور از معافیت در این ماده چیست؟ تبصره ۳ ماده ۱۵ آیین‌نامه فوق‌الذکر معافیت را به قانون ساماندهی مبادلات مرزی مصوب ۱۳۸۴ ارجاع داده است و به استناد تبصره ۲ ماده ۶ این قانون، چنانچه کالای وارده توسط ملوانان، از نوع لوازم خانگی باشد، حداکثر تا معادل پنجاه درصد و چنانچه ارزاق عمومی باشد از سی درصد تا صد درصد از پرداخت حقوق ورودی معاف هستند.

در کنار این مقررۀ قانونی، آیین‌نامه جامع ساماندهی و نظارت بر مبادلات تجاری مرزی از طریق ملوانی وجود دارد که در ماده ۱ به بحث از معافیت کالاهای وارداتی «از طریق شناورهای سنتی با ظرفیت کمتر از ۵۰۰ تن از بنادر و گمرک‌های مشمول در استان‌های بوشهر، خوزستان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان» می‌پردازد. به موجب این آیین‌نامه، معافیت از پرداخت عوارض کالاهای وارداتی به طریق فوق‌الذکر، به این شکل است که در سال‌های اول و دوم اجرای این آیین‌نامه صرفاً بیست درصد از حقوق گمرکی و سود بازرگانی اخذ می‌شود و در سال‌های سوم تا پنجم پلکانی افزایش می‌یابد و در پایان اجرای آیین‌نامه معادل ۳۰ درصد تخفیف از حقوق گمرکی و سود بازرگانی بوده و از سایر عوارض و مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر درآمد معاف هستند.

۴-۲-۲. کالای وارداتی با سوءاستفاده از تسهیلات مرزنشینی

به موجب ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون ساماندهی مبادلات مرزی و تبصره ۱ آن، تمام اهالی ساکن در مناطق مرزی کشور که در فاصله حداکثر سی کیلومتری از نقطه صفر مرزی قرار دارد، مرزنشین تلقی می‌شوند و با دریافت کارت مبادلات مرزی مشمول تسهیلات مبادلات مرزی خواهند بود.

در ایران تعاونی‌های مرزی ابتدا در استان بوشهر و سپس در استان‌های هرمزگان، سیستان و بلوچستان، فارس و خوزستان شکل گرفتند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و خروج استان‌های شمالی کشور از بن‌بست و نیز بعد از پایان جنگ تحمیلی و برقراری آرامش و ثبات در افغانستان، رفته‌رفته شکل‌گیری تعاونی‌های مرزنشینان در سایر استان‌های مرزی کشور نیز آغاز شد (آذری و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۰).

هدف از تأسیس تعاونی‌های مرزنشین و ایجاد بازارچه‌های مرزی در استان، اشتغال‌زایی (به‌عنوان مهم‌ترین هدف)، جلوگیری از مهاجرت مرزنشینان، جلوگیری از تجارت غیرقانونی ساکنان مرزی، جلوگیری از سوءاستفاده شبکه‌های قاچاق از افراد بومی برای حمل و نقل کالا و نظایر آن است (سلطانی شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۰).

به موجب تبصره ۱ ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات (اصلاحی ۱۳۷۷) سقف ارزش کالاهای قابل ورود توسط خانوارهای مرزنشین و شرکت‌های تعاونی مرزنشینان به میزان دویست میلیون دلار در هر سال تعیین می‌شود. حال سؤال این است که در چه شرایطی، کالاهای وارداتی از طریق کارت مرزنشینی قابلیت خرید و فروش و خروج از مناطق مرزی را دارند؟ به موجب ماده ۹ قانون مبادلات مرزی خرید و فروش کالاهای وارداتی در استان‌های مرزی به صورت خرده‌فروشی مجاز است و خروج کالاهای مذکور از استان‌های مرزی به سایر نقاط کشور فراتر از سقف تعیین شده در ماده ۸ این قانون به صورت تجمیعی و تجاری با تأیید شورای ساماندهی مبادلات مرزی استان و پرداخت مبالغ ناشی از معافیت‌های مقرر در این قانون صورت می‌گیرد.

در نتیجه عرضه کالاهای وارد شده با استفاده از مزایای مرزنشینی با اجتماع چهار شرط غیرقانونی است و مصداق قاچاق تلقی می‌شود: اول، ارزش کالاها باید فراتر از سقف تعیین شده در ماده ۸ باشد؛ دوم، خروج کالاها از مناطق مرزنشین باید به صورت تجمیعی و تجاری صورت گیرد؛ سوم، مرتکب برای خروج کالاها از مناطق مرزنشین، تأییدیه شورای ساماندهی مبادلات

مرزی استان را اخذ نکرده باشد و چهارم، مرتکب برای خروج کالاها، مبالغ ناشی از معافیت‌های قانونی را پرداخت نکرده باشد.

رویه جاری در مناطق مرزنشین کشور حکایت از این دارد که ساکنان این مناطق عملاً به این معافیت‌ها نه به‌عنوان روشی برای رفع حوایج شخصی، بلکه به‌عنوان یک ممر درآمد می‌نگرند و با تلاش برای فرار از پرداخت عوارض گمرکی، سعی در افزایش درآمد حاصله از واردات کالاها به شکلی ظاهراً قانونی دارند.

از آنچه عنوان شد این نتیجه حاصل می‌شود که در غالب موارد هدف قاچاقچی، کسب درآمد و منفعت مالی از واردات یا صادرات غیرقانونی کالا است و با توجه به نقش و اهمیت درآمدهای دولت از طریق اخذ عوارض گمرکی، یکی از مهم‌ترین علل جرم‌انگاری قاچاق کالا را باید در حفظ و حمایت از منفعت مالی دولت یافت، لکن این دلیل، تنها دلیل مبارزه با این پدیده مجرمانه نیست. در ادامه به بیان مهم‌ترین این دلایل پرداخته خواهد شد.

۳. چرایی جرم‌انگاری قاچاق کالا

برای شناخت درست هر پدیده مجرمانه و گزینش راه‌های صحیح مبارزه با آن، یکی از مهم‌ترین اقدامات این است که مشخص شود چه دلیل یا دلایلی جامعه را بر آن داشته است تا به آن عمل، برچسب مجرمانه الصاق و در مبارزه کیفری با آن پدیده سعی کنند. در مورد قاچاق کالا نیز یکی از مباحث اصلی این است که بررسی شود دلایل جرم‌انگاری این پدیده چه بوده است. در ادامه به مهم‌ترین این دلایل پرداخته می‌شود:

۳-۱. صیانت از حقوق مالی دولت

یکی از ابتدایی‌ترین علل پیش‌بینی جرمی تحت عنوان قاچاق کالا را باید در حفظ و صیانت از حقوق مالی دولت یافت. دولت‌ها در راستای انجام وظایف خود برای اداره کشور، متحمل هزینه‌های متعددی می‌شوند؛ مانند هزینه احداث زیرساخت‌هایی چون آب، برق و گاز، هزینه برقراری نظم در درون کشور و صلح و آرامش فرامرزی، هزینه‌های مربوط به تأمین بهداشت و درمان شهروندان، هزینه ارائه خدمات تحصیلی و ... یکی از هزینه‌هایی که دولت‌ها متحمل می‌شوند، هزینه‌های مربوط به ایجاد زیرساخت‌های لازم و برقراری امنیت برای واردات و صادرات کالاهاست تا این فرایند با کم‌ترین مشکل و مانع انجام شود. در مقابل هزینه‌ها، دولت‌ها می‌کوشند تا از طرق مختلف، کسب درآمد کنند تا قادر باشند به اداره کشور بپردازند. یکی از روش‌های کسب

درآمد برای دولت‌ها، اخذ مالیات و عوارض از شهروندان است. برخی از اشکال قاچاق دقیقاً بر همین عوارض گمرکی و به عبارت کلی‌تر، حقوق مالی دولت متمرکز است؛ بنابراین یکی از فلسفه‌های مستتر در پس جرم‌انگاری برخی اشکال قاچاق، حمایت از منافع اقتصادی دولت است.

اخذ عوارض گمرکی در ایران و جهان سابقه‌ای طولانی دارد. مورخان نوشته‌اند: هخامنشیان منابع مالی دولت را از اخذ عوارض در اسکله، بندرها و میدان‌های فروش بار و نیز تجارت داخلی تأمین می‌کردند. در زمان اشکانیان کالاهایی که وارد می‌شد، در دفتری ثبت و از دارندگان آن عوارض دریافت می‌کردند. در زمان ساسانیان از «یزدین» نامی که از مأموران وصول عوارض مال‌التجاره بود سخن گفته می‌شود (امین صارمی، ۱۳۷۹: ۴). در دوران صفویه، اداره مأمور اخذ عوارض تجاری را «در بندر» و رئیس آن را «شه بندر» می‌گفتند. ادارات در بندر صورت حساب‌های خود را در دو نسخه تنظیم می‌کردند و مرتب به اداره مرکزی می‌فرستادند (شجیعی، ۱۳۸۶: ۹-۱۵).

۲-۳. حمایت از تولید ملی

یکی دیگر از اصلی‌ترین مبانی و دلایل جرم‌انگاری قاچاق کالا در ایران را می‌توان در حمایت از تولید ملی و اقتصاد داخلی یافت. بخش عمده‌ای از ممنوعیت‌های واردات، در راستای حمایت از توان اقتصادی کشور و نهادهای تولیدی داخلی وضع می‌شود، زیرا برای اینکه چرخ‌های اقتصادی کشور توان حرکت داشته باشد و برای حفظ بازار کالاهایی که در داخل تولید می‌شوند، نه تنها باید ممنوعیت واردات اعمال شود، بلکه با هرگونه واردات غیرقانونی کالاهای مشابه نیز باید مقابله و مبارزه جدی به عمل آید.

نتیجه مستقیم حمایت از تولید ملی، افزایش اشتغال است و به تبع افزایش نرخ اشتغال و کاهش نرخ بیکاری راه برای حل بسیاری از بحران‌های اجتماعی هموار می‌شود. از سوی دیگر افزایش تولید ملی موجب می‌شود کشورها به خودکفایی نزدیک شوند؛ در نقطه مقابل خودکفایی، وابستگی اقتصادی یک کشور به منزله ابزاری در دست دیگر کشورها بوده و کشورهای توسعه‌یافته را قادر می‌سازد تا در شرایط تعارضات، کشور وابسته را تحت تأثیر قرار دهند. این وابستگی به منزله سلاحی در دست کشورهای معارض، موجبات آسیب‌پذیری کشور وابسته را فراهم می‌آورد.

اعمال فشار بر کشورهای ضعیف، گاه به صورت تحریم نمایان می‌شود. تحریم اقتصادی، کاهش یا متوقف ساختن یا تهدید به توقف روابط اقتصادی، تجاری و مالی متعارف با کشور هدف از سوی دولت تحریم‌کننده است. در واقع، تحریم سلاحی اقتصادی در میدان مبارزه‌های غیرنظامی است که دیپلماسی را از گفت‌وگو فراتر می‌برد و وارد عمل می‌شود (Eyler, 2007: 4). تاب‌آوری

اقتصادی مفهومی است که اخیراً در عرصه مطالعات اقتصادی خصوصاً در رابطه با نظام‌های اقتصادی آسیب‌پذیر مورد استفاده قرار می‌گیرد و منظور از آن توانایی بازایی یا تطبیق با اثرات منفی شوک‌های اقتصادی خارجی (Bruglii et al., 2006: 6) است. افزایش تاب‌آوری اقتصادی با تمرکز بر تولید و ارتقای سطح تولید محوری نظام اقتصادی متصور است.

قاچاق کالا به این دلیل مذموم شمرده می‌شود که سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی‌ای را که دولت‌ها برای حفظ یا احیای موقعیت اقتصادی کشور اعمال می‌کنند، بی‌اثر یا کم‌اثر می‌کند. با این نگرش قاچاق کالا تأثیر مخربی بر جریان اقتصاد ملی برجا می‌گذارد و مسیر اصلاحی آن را منحرف می‌سازد. به‌علاوه قاچاق کالا توازن در تراز بازرگانی خارجی را بر هم می‌زند؛ از همین رو دولت با در نظر گرفتن پارامترهایی همچون سپرده‌های ارزی، درآمدهای ارزی سالانه، نیازهای وارداتی کشور و ... با اهداف ایجاد توازن در تراز بازرگانی و پرداخت بدهی‌های خارجی بسته‌هایی از سیاست تجاری را در پیش می‌گیرد که بر مبنای آن حجم و ارزش صادرات و واردات کشور معین می‌شود. صادرات و واردات غیرقانونی، اهداف یادشده را غیرقابل تحقق می‌سازد. درحالی‌که تجارت قانونمند، امکان اعمال سیاست‌های بازرگانی در پیش‌گرفته شده به‌منظور بهبود ساختار و موقعیت اقتصاد ملی را فراهم می‌آورد و از هدررفت منابع ارزی که از طریق قاچاق کالا از اقتصاد ملی خارج و صرف واردات کالاهایی می‌شود که شاید نیاز واقعی اقتصاد به آن‌ها در حد صفر باشد، جلوگیری می‌کند (بی‌نا، ۱۳۸۸: ۱۷).

۳-۳. ایجاد امنیت اقتصادی برای شهروندان

استقرار امنیت، برآیندی از کارکرد عناصر و متغیرهای مؤثر در حوزه‌های عمومی حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ... است و تداوم کارکرد این عناصر، بقا و ثبات امنیت عمومی را در پی دارد و از سویی اختلال و نابسامانی در کارکردها باعث ناامنی خواهد بود (ارمغان، ۱۳۸۹: ۴۸). در نتیجه حوزه‌های مختلف امنیت به یکدیگر وابسته بوده و یکی از لوازم ایجاد امنیت ملی را می‌توان در ثبات و امنیت اقتصادی یافت.

سرمایه‌گذاری همواره به‌عنوان یکی از عوامل اساسی در توسعه اقتصادی جوامع مطرح بوده و دولت‌ها را بر آن داشته تا به‌منظور دسترسی به یک اقتصاد توسعه‌یافته و پویا توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند (دودانگی، ۱۳۹۵: ۱۳۲)؛ لکن سرمایه‌گذاران در راستای اهداف مالی و اقتصادی خود می‌کوشند تا محلی را برای فعالیت برگزینند که کم‌ترین احتمال خطر را دربر داشته باشد؛ به عبارت بهتر یکی از عوامل بسیار مؤثر در توسعه سرمایه‌گذاری، افزایش امنیت سرمایه‌گذاری

است؛ هرچند که سرمایه‌گذاران به دنبال افزایش سودآوری خود هستند، اما عامل مهمی که این امر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، احساس امنیت است (همان، ۱۴۲).

نتیجه مستقیم افزایش سرمایه‌گذاری در سطح کشور، شکوفایی اقتصادی خواهد بود. رشد و شکوفایی اقتصادی بر تمامی ابعاد زندگی افراد مؤثر بوده و بدون رشد و توسعه اقتصادی، توسعه مبانی فرهنگ ملی، گسترش خدمات درمانی، بهداشتی، اجتماعی، برخورداری از نیروی دفاعی کارآمد میسر نیست (صدریه، ۱۳۷۰: ۴۹).

یکی از مظاهر امنیت اقتصادی کشورها، وجود ذخایر استراتژیک به میزان مطلوب در سطح کشور است. در شرایطی که بروز جنگ در یک نقطه از جهان می‌تواند تأمین کالاهای اساسی را در مناطقی دورتر با مشکل مواجه کند، دولت‌ها موظف‌اند به این منظور از یک سو به میزان کافی از کالاهای استراتژیک را به کشور وارد کنند و از سوی دیگر مانع خروج بدون برنامه این کالاها از کشور شوند؛ این مهم حاصل نمی‌شود مگر با اعمال صحیح مقررات مبارزه با قاچاق. نکته حائز اهمیت آن است که قاچاق کالاهای استراتژیک لزوماً به شکل قاچاق خارجی و جابه‌جایی کالا از مرز رخ نمی‌دهد، بلکه نظر به لزوم توزیع عادلانه کالاهای اساسی در نقاط مختلف کشور و میان گروه‌های مختلف، به استناد دستورالعمل تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «کالای موضوع قاچاق، کالای تولید داخل یا وارداتی است که به صورت تجاری برخلاف ضوابط تعیینی دولت خرید، فروش، حمل یا نگهداری شود». بنابراین هرگونه خرید، فروش، حمل و نگهداری خارج از ضوابط تعیین شده سهمیه آرد شهرستان‌ها و یا سوخت اختصاص داده شده به ناوگان حمل و نقل عمومی و یا اشخاص حقیقی به شرطی که به شکل تجاری رخ دهد، مصداق قاچاق خواهد بود. عرضه این کالاها برخلاف ضوابط تعیین شده توسط دولت، موجب ایجاد کمبودهای اساسی در کالاهای استراتژیک خواهد شد و این امر موجبات نارضایتی آحاد مردم را فراهم خواهد آورد.

۴-۴. صیانت از فرهنگ و هویت ملی

اصولاً گفته می‌شود قاچاق کالا، اهداف مختلفی را به دنبال دارد؛ از جمله مهم‌ترین این اهداف، سودآوری اقتصادی است. لکن قاچاقچیان برای نیل به این هدف تمام اصول اخلاقی، ملی و مذهبی را زیر پا می‌گذارند و آسیب‌های فرهنگی، ملی، مذهبی و اخلاقی ناشی از ارتکاب این جرم، کم‌تر از آسیب‌های اقتصادی ناشی از آن نیست (دالایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲).

فرهنگ شامل اخلاقیات، عادات و ترکیبی از رفتارهای اجتماعی است که به وسیلهٔ اعضای جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. در این میان مشخصه‌های اجتماعی یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های فرهنگ جامعه محسوب می‌شوند (تاری و غلامی باغی، ۱۳۸۹: ۵۱). به‌علاوه هویت فرایند پاسخ‌گویی آگاهانهٔ هر فرد به یک دسته سؤالات درمورد خودش است؛ از گذشته‌اش که او چه کسی است، کجا بود، چه بود، چه هست و به چه قبیله، نژاد یا ملت تعلق دارد، منشأ ابتدایی و اصلی‌اش کجاست و در تمدن جهان چه نقشی داشته است (باوند، ۱۳۷۷: ۱۳۰)؛ بنابراین هویت پی بردن به گذشته و عقبهٔ افراد است. در مقیاس کوچک، هویت فردی و خانوادگی افراد اهمیت دارد و در مقیاس بزرگ‌تر، هویت ملی افراد. درمورد کشور ما، هویت ملی و مذهبی با یکدیگر آمیخته شده است و این دورا نمی‌توان از یکدیگر تفکیک کرد. برخی از دلایل جرم‌انگاری قاچاق را در دفاع از این هویت ملی و مذهبی می‌توان جست.

توضیح اینکه دین مبین اسلام در راستای نفع شخصی و اجتماعی، استفاده از برخی کالاها را شرعاً حرام تلقی کرده و به تبع حرمت استفاده از این اشیا، تجارت و خرید و فروش آن‌ها نیز حرام دانسته شده است؛ برای مثال آلات قمار و مشروبات الکلی از جمله کالاهایی هستند که هم استفاده از آن‌ها و هم تجارت آن‌ها حرام است. به همین سبب و به جهت اجرای تمام و کمال قواعد دین مبین اسلام، قوانین جاری کشور نیز واردات این کالاها و نیز صادرات آن‌ها را ممنوع اعلام کرده است. البته باید توجه داشت که این ممنوعیت تنها شامل دو کالای مورد اشاره نیست، بلکه نظر به ضروریات اجتماعی، قانون‌گذار با وحدت ملاک، حکم این امر را به کالاهایی نیز که موجب ورود آسیب به اصول اخلاقی حاکم بر هویت ملی و مذهبی است، تسری داده است؛ برای مثال تجهیزات دریافت از ماهواره با توجه به اینکه موجب ایجاد مفسده می‌شوند، ممنوع تلقی شده‌اند. به‌علاوه ممنوعیت خروج کالاهایی که دارای ارزش تاریخی هستند نیز در راستای حفظ هویت ملی در متون قانونی ما راه یافته است. البته قانون‌گذار این موارد را در قانون مستقل پیش‌بینی نکرده و در خلال قانون مجازات اسلامی موادی چند را به این امر اختصاص داده است.

۳-۵. ایجاد امنیت بهداشتی و تأمین سلامت عمومی

بهداشت عبارت است از علم و هنر دستیابی به سلامتی، حفظ سلامتی و ارتقای آن؛ به‌عبارت‌دیگر بهداشت وسیله است و سلامتی هدف آن. به‌طور کلی سلامتی و بهداشت را به انواع فردی و عمومی تقسیم می‌کنند. البته رابطهٔ این دو مفهوم نباید نادیده گرفته شود و اگرچه این دو مفهوم دو مقولهٔ جدا و متفاوتی هستند، ولی پیوستگی زیادی دارند (اسلامی تبار و دیگران، ۱۳۸۱:

۱۷۳). یکی از مسائلی که در سیاست‌گذاری بهداشت عمومی باید مدنظر قرار گیرد کنترل رعایت استانداردهای تولید و توزیع اقلام خوراکی، آشامیدنی، آرایشی، بهداشتی و دارویی است. این مسئله که در زمره وظایف دولت‌هاست و جنبه پیشگیرانه نیز دارد، میسر نخواهد بود مگر با نظارت بر تولید و توزیع اقلام خوراکی، آشامیدنی، آرایشی، بهداشتی و دارویی.

بخشی از نیازهای جامعه در مورد اقلام فوق‌الذکر از طریق تولیدات داخل مرتفع می‌شود. در فرایند تولید و عرضه این محصولات، تولیدکنندگان موظف‌اند استانداردهای رسمی را رعایت کنند، اما بخش دیگر این اقلام، از طریق واردات تأمین می‌شود. به موجب ماده ۹ قانون مواد خوراکی، آشامیدنی و بهداشتی تهیه‌کنندگان و سازندگان و واردکنندگان مواد خوردنی و آشامیدنی و بهداشتی و آرایشی مکلف‌اند پروانه بهداشت از وزارت بهداشت اخذ کنند.

به علاوه در راستای نظارت دولت بر اقلامی که در سطح جامعه توزیع و مصرف می‌شوند مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران پیش‌بینی شده تا نسبت به تعیین کیفیت و ویژگی‌های کالاهای ساخت داخل وارداتی اقدام کند. کیفیت مواد و کالاهای وارداتی باید با استانداردهای ملی جمهوری اسلامی ایران و یا استانداردهای کشور مبدأ و یا استانداردهای معتبر و مورد قبول مؤسسه منطبق باشد.

حساسیت موضوع در مورد اقلام دارویی و درمانی قانون‌گذار را بر آن داشته است که در ماده ۲۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برخورد دوگانه‌ای را در مورد این اقلام و نیز مواد خوراکی و بهداشتی در پیش گیرد؛ با این توضیح که قاچاق مواد و فرآورده‌های دارویی، مکمل‌ها، ملزومات و تجهیزات پزشکی و فرآورده‌های زیستی در هر صورت مشمول مجازات قاچاق کالاهای ممنوع بوده و بررسی سلامت این اقلام نه تنها ضروری نیست، بلکه حتی در فرض اثبات سلامت آن‌ها و قابلیت مصرفشان، در مجازات مرتکب تغییری ایجاد نمی‌شود؛ این در حالی است که چنانچه کالای قاچاق مکشوفه شامل مواد و فرآورده‌های خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی باشد، مرجع رسیدگی‌کننده بدو نسبت به استعمال امکان صدور مجوز مصرف انسانی کالاهای مذکور از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اقدام می‌کند و نتیجه استعمال در میزان مجازات مرتکب اثر مستقیم خواهد داشت؛ با این توضیح که چنانچه اقلام مکشوفه موفق به اخذ مجوزهای بهداشتی و درمانی در مورد مصرف انسانی شود، عمل مرتکب مشمول مجازات مذکور در ماده ۱۸ این قانون یعنی مجازات مربوط به قاچاق کالاهایی که ممنوع نیستند، خواهد شد و در غیر این صورت مشمول مجازات قاچاق کالاهای ممنوع است.

لکن همواره قاچاق اقلام بهداشتی و دارویی به شکل واردات کنترل نشده رخ نمی‌دهد، بلکه گاه این اتفاق با خروج غیرقانونی برخی اقلام از کشور بروز و ظهور می‌یابد. کسب منفعت مالی برخی افراد را بر آن می‌دارد تا صرفاً با تمرکز بر منافع کوتاه‌مدت خود و بدون در نظر گرفتن تبعات وسیع عملشان بر اجتماع، اقدام به خارج کردن غیرقانونی برخی اقلام کنند؛ این در حالی است که این اقدام ضربات جبران‌ناپذیری را به جامعه وارد می‌آورد. خروج غیرقانونی داروهای یارانه‌ایمانند انسولین موجود در کشور، یکی از این حوادث است که گاه جامعه را با بحرانی جدی روبه‌رو می‌سازد. دولت با پیش‌بینی مقررات قاچاق سعی دارد تا نیازهای بهداشتی و درمانی شهروندان را به خوبی تأمین کند.

۳-۶. حفظ و صیانت از منابع طبیعی و ذخایر ملی

منابع طبیعی تجدیدشونده از سرمایه‌های ملی و باارزش هر کشوری تلقی می‌شوند و حفظ و بهبود آن از رسالت‌های مردم و به‌خصوص بهره‌برداران آن است (زمانی و بهرامی، ۱۳۸۱: ۴۲). با توجه به اینکه همه انسان‌ها در منابع طبیعی و اراضی ملی به‌طور یکسان حق استفاده و بهره‌برداری دارند، لذا هرگونه استفاده ناروا و تخریب این منابع که جزو منابع عمومی به شمار می‌رود، برای افراد مسئولیت در پی خواهد داشت (شکریگی و خوئینی، ۱۳۹۷: ۱۹۰).

طبیعت از دیدگاه اصولی و به‌دلیل ماهیت وجودی‌اش به تمام انسان‌ها و به تمام نسل‌ها به یک اندازه تعلق دارد. سرمایه‌ای است که باید هر نسلی بدون دست‌درازی به اصل سرمایه از آن برخوردار شود. هرکسی که از سرمایه‌های عمومی استفاده‌ای می‌برد، وظیفه دارد دست‌کم همان مقدار سرمایه را برگرداند (فراهانی فرد، ۱۳۸۶: ۱۳۱). قانون‌گذاران ایران نیز از حمایت از منابع طبیعی باز نمانده و با پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری در راستای حفظ آن گام برداشته‌اند. منابع طبیعی مورد حمایت گاه جنگل‌ها و ذخایر جنگلی هستند؛ گاه حیوانات وحشی، گاه آبزیان نادر و گاه گونه‌های گیاهی خاص.

ماده ۴۸ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع نیز حمل چوب و هیزم و زغال حاصله از درختان جنگلی را بدون تحصیل پروانه حمل از سازمان جنگلبانی ممنوع دانسته و مشمول مقررات قاچاق اعلام کرده است. لزوم اخذ مجوز برای حمل چوب و هیزم و زغال حاصله از درختان جنگلی برای آن است که دولت قادر باشد بر نحوه استفاده از این منابع خدادادی نظارت داشته باشد و از استفاده بی‌رویه و بیش از اندازه از این منابع طبیعی ممانعت نماید.

ماده ۲۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به «صدور حیوانات وحشی عادی، در معرض نابودی و کمیاب، انواع موجودات آبی، پرندگان شکاری و غیرشکاری اعم از بومی یا مهاجر وحشی به‌طور زنده یا غیرزنده و نیز اجزای این حیوانات» اختصاص دارد و آن را مشمول مقررات کالاهای ممنوع می‌داند. ماده ۲۶ این قانون نیز صید، عمل‌آوری، تهیه، عرضه، فروش، حمل، نگهداری و صدور خاویار و ماهیان خاویاری را بدون مجوز این سازمان مشمول مجازات قاچاق کالای ممنوع دانسته است.

به استناد کنوانسیون بین‌المللی تجارت گونه‌های در معرض خطر گیاهی و جانوری تجارت حیات‌وحش در معرض خطر بسیار گسترده است و دربردارنده حیوانات و گیاهان زنده تا تولیدات حاصل از آنهاست، مانند تولیدات خوراکی، کالاهای چرمی عجیب و غریب، آلات موسیقی چوبی و داروها (Basu, 2014: 15). این در حالی است که در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، صدور حیوانات وحشی عادی، در معرض نابودی و کمیاب، انواع موجودات آبی، پرندگان شکاری و غیرشکاری به‌طور زنده یا غیرزنده و نیز اجزای این حیوانات پیش‌بینی شده است و نه تولیدات ثانویه ناشی از آنها. البته در مورد خاویار، عمل‌آوری آن نیز مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است.

همه آنچه در مورد چرایی جرم‌انگاری قاچاق بدان اشاره شد، از دهه‌های قبل، توجه قانون‌گذار را به خود جلب کرده و موجب شده تا جرم‌انگاری قاچاق در ایران سابقه تقریباً ۱۰۰ ساله داشته باشد؛ اولین قانون مبارزه با قاچاق در کشور ما در سال ۱۳۱۲ تحت عنوان «قانون مجازات مرتکبین قاچاق» به تصویب رسید که البته دربردارنده مصادیق زیادی از قاچاق نبود. قانون بعدی قاچاق در سال ۱۳۳۷ تحت عنوان یکی از فصول قانون امور گمرکی تصویب شد. در سال‌های پایانی دهه ۱۳۶۰ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور به تصویب رسید که علاوه بر قاچاقچیان، احتکارگران و نیز کارشکنان در نظام اقتصادی را دربر می‌گرفت.

در سال ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام برای ایجاد هماهنگی در قوانین و مقررات متعدد مبارزه با قاچاق، «قانون تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز» را تصویب کرد؛ لکن این قانون هم پس از مدتی جای خود را به قوانین دیگری داد و در حال حاضر قانون امور گمرکی که در سال ۱۳۹۰ و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که مصوب سال ۱۳۹۲ است، جدیدترین قوانین این حوزه به شمار می‌روند.

با وجود همه دلایلی که به‌عنوان علل توجیه‌کننده چرایی جرم‌انگاری قاچاق کالا بدان پرداخته شد و با در نظر گرفتن آثار سوء ناشی از ارتکاب این جرم، رویکرد قانون‌گذار ایران در این خصوص

قابل تأمل است؛ توضیح اینکه قاچاق در قوانین ما، دارای دو جنبه است؛ برخی از مصادیق قاچاق با عنوان تخلف شناخته شده و رسیدگی به آن در صلاحیت اداره تعزیرات حکومتی است و برخی دیگر تحت عنوان جرم شناخته می‌شوند و رسیدگی به آن در دادگستری به عمل می‌آید، اما نکته‌ای که باید بدان توجه شود این است که گرچه ضمانت اجرای کیفری به‌عنوان آخرین راه‌حل در برخورد با نابهنجاری‌های اجتماعی باید مورد استفاده قرار گیرد، لکن قانون‌گذار در مورد قاچاق کالا، قصد حمایت از ارزش‌هایی را دارد که اهمیت آن‌ها به حدی است که توجه‌کننده زیر پا گذاشتن اصل کمینه کیفری باشد؛ لکن تخلف نامیدن برخی از مصادیق آن و اعطای صلاحیت رسیدگی به آن، به سازمان تعزیرات حکومتی، موجبات کم‌رنگ شدن اهمیت آن و کاهش ارباب عمومی می‌شود.

نتیجه

قاچاق کالا به تعبیر اداره حقوقی قوه قضائیه^۱ عبارت است از وارد کردن یا صادر کردن کالا برخلاف قوانین و مقررات جاریه یا هر اقدامی که قانوناً در حکم قاچاق کالا است. گرچه معنای غالب قاچاق ناظر بر عبور کالا از مرز است، ولی همواره در نظام تقنینی ایران، قاچاق گسترده‌تر از این معناست و عدم پرداخت عوارض و مالیات و یا نقض انحصارات وضع شده نیز می‌تواند مصداق این جرم تلقی شود.

با توجه به آثار گسترده این جرم بر اقتصاد، اجتماع و امنیت عمومی و سایر جنبه‌های بشری، مقابله با این جرم و تلاش برای کنترل آن، نه تنها در عرصه داخلی اهمیت دارد، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز گام‌های بلندی برداشته شده و واقعیت این است که مقابله با آن، تنها با اقدامات داخلی و بدون همکاری‌های بین‌المللی ممکن و میسر نخواهد بود.

مقابله صحیح با هر پدیده مجرمانه مستلزم شناخت درست آن پدیده است و شناخت درست آن با بررسی مفهوم و اشکال ارتکاب آن میسر می‌شود. بررسی مصادیق این جرم در عمل مبین آن است که این جرم هم به شکل جرم بقره سفیدی و با سوءاستفاده از هوش، ذکاوت، موقعیت شغلی و مواردی از این دست رخ می‌دهد و در مقابل بخش قابل توجهی از مصادیق این جرم به شکل جرمی یدی و با استفاده از توان بدنی قاچاقچی رخ می‌دهد. مصادیق دسته‌آخر را می‌توان به شکل کولبری، کالای همراه مسافر، کالای مرزنشینی و کالای همراه ملوان رخ دهد.

۱. نظریه شماره ۷/۷۹۸۷ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۸.

سؤال مهمی که نگارش حاضر در پی پاسخ‌گویی بدان است، علل جرم‌انگاری این فعالیت است. بررسی مصادیق این جرم مبین آن است که قانون‌گذار با جرم‌انگاری این عمل در پی تحقق اهداف ذیل بوده است: در برخی از موارد قانون‌گذار سعی در حفظ حقوق مالی دولت دارد؛ در برخی موارد هدف ایجاد امنیت اقتصادی در کشور است؛ گاه قانون‌گذار سعی در ارتقای سطح بهداشت و سلامت اعضای اجتماع دارد و گاه دغدغه قانون‌گذار حفظ و حراست از منابع و ذخایر طبیعی و هویت ملی و فرهنگی کشور است.

با توجه به آنچه در نگارش حاضر بیان شد پیشنهاد می‌شود:

۱. در معرفی این جرم بازنگری شود، زیرا همان‌طور که مورد اشاره قرار گرفت اولاً، تعریف مذکور در ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تنها مصادیقی از این عمل را در برمی‌گیرد که جرم باشد و از اشاره به مصادیق تخلفات قاچاق بازمانده است؛ ثانیاً، به‌موجب این بند، شناسایی مصادیق قاچاق منوط به ذکر صریح آن در متون قانونی شده است، درحالی‌که گسترده بودن مصادیق این جرم و پراکندگی آن در متون قانونی متعدد موجب سردرگمی می‌شود. از سوی دیگر برای معرفی و شناسایی هر چیزی، ارائه معیار روش صحیح‌تری به نظر می‌رسد تا ذکر مصادیق و ثالثاً، تنها مصادیقی از این عمل که با عبور از مرز رخ می‌دهد، در این تعریف جای می‌گیرد و نه سایر مصادیق؛ توضیح اینکه همان‌طور که در صفحات پیش‌تر آمد، با توجه به وضعیت حال حاضر کشور، قاچاق داخلی و مصادیقی از این جرم که بدون عبور کالاها از مرز رخ می‌دهد، مانند توزیع خارج از شبکه آرد و سوخت، گرچه در قوانین عنوان قاچاق دارد، لکن در تعریف قانونی این جرم نمی‌گنجد؛ درحالی‌که نظر به آسیب‌های فراوانی که این اعمال به اقتصاد و امنیت اجتماعی وارد می‌آورند، توجه و برخورد ویژه‌ای باید با آن‌ها به عمل آید.
۲. برخی از مصادیق قاچاق چنان اهمیتی دارد که برخوردی ویژه می‌طلبد؛ برای مثال قاچاق حیوانات محافظت‌شده و در حال انقراض، قاچاق داروهای موردنیاز کشور به خارج و همچنین خارج کردن کالاهای استراتژیک از کشور، با توجه به تأثیرات مخرب قابل توجهی که بر اقتصاد و اجتماع می‌گذارد، برخوردی قاطع و متفاوت را ایجاب می‌کند.
۳. با توجه به اینکه قاچاق در شکل یقه‌سفیدی با انگیزه‌های متفاوتی نسبت به سایر اشکال این جرم رخ می‌دهد و آثار متفاوت و گسترده‌تری نیز در پی دارد، به‌گونه‌ای که گستره‌آثار آن، با سایر اشکال قاچاق قابل مقایسه نیست، لذا پیشنهاد می‌شود در اصلاحات این قانون برخورد متفاوتی با این دو دسته از مجرمان صورت گیرد.

منابع فارسی

- آذری، لطفعلی، محمود هوشمند و سمیه سادات نقوی (۱۳۸۸)، «سنجش رضایتمندی از فعالیت شرکت‌های تعاونی مرزنشینان استان خراسان رضوی»، *فصلنامه روستا و توسعه*، دوره دوازدهم، شماره ۲.
- ابراهیم‌وند، شکراله (۱۳۹۱)، «تدابیری جهت افزایش ریسک قاچاق کالا و ارز»، *دوفصلنامه مطالعات حقوقی*، سال دوم، شماره ۴.
- ارمغان، سیمین (۱۳۸۹)، «اثرات امنیتی قاچاق کالا در مناطق حاشیه‌ای»، *فصلنامه پژوهشی، تحلیلی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز*، شماره ۱۲.
- اسلامی تبار، شهرام، بهرام واعظ و افشین سلیمانی (۱۳۸۱)، «نگاهی اجمالی به تحولات بهداشت و جوانان»، *فصلنامه پژوهشی - کاربردی مطالعات جوانان*، شماره ۱.
- امین صارمی، نوذر و رضا جورکش (۱۳۷۹)، «تبیین قاچاق کالا از منظر جامعه‌شناسی»، *مجله دانش انتظامی*، شماره ۲ و ۳.
- الهام، غلامحسین، سید محمود میرخلیلی و امیرمحمد پرهام‌فر (۱۳۹۳)، «چالش‌های تعریف قاچاق در نظام حقوقی ایران»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضائی*، شماره ۶۷.
- باوند، داوود (۱۳۷۷)، «چالش‌های برون‌مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال ۱۲، شماره ۱۲۹.
- بنسون، مایکل و سالی سیمپسون (۱۳۹۱)، *جرایم یقه‌سفید رویکرد فرصت‌مدار*، ترجمه اسماعیل رحیمی، تهران: نشر میزان.
- بی‌نا (۱۳۹۵)، *بلیه قاچاق؛ بررسی وضعیت قاچاق کالا و ارز در ایران و چند کشور دیگر جهان*، تهران: چاپ دفتر فنی تولی.
- بی‌نا: اداره کل پژوهش ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۸۸)، «سیاست جنایی در مبارزه با قاچاق کالا»، *دوماهنامه پژوهشی - تحلیلی اقتصاد پنهان ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز*، شماره ۱۱.
- تازی، فتح‌اله و سعید غلامی باغی (۱۳۸۹)، «تأثیر متقابل فرهنگ و قاچاق کالا»، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال چهارم، شماره ۴۱ و ۴۲.
- حبیب‌زاده، مؤمن و اکبر بهنام وروایی (۱۳۹۶)، «واکاوی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم یقه‌سفید»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۱.
- خضرزاده، اسعد (۱۳۸۹)، «بررسی قاچاق کالا از مرزهای دریایی جنوب ایران»، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، جلد ۱۵، شماره ۱۸.
- دالایی، مجید، جبار قره داغی و سیانا عباسی (۱۳۹۴)، «بررسی علل و پیامدهای اقتصادی قاچاق کالا در ایران و راهکارهای رویارویی و مبارزه با آن»، *دومین کنفرانس بین‌المللی آینده‌پژوهی مدیریت و توسعه اقتصادی*، مشهد: دانشگاه تربت حیدریه.

- دژمان، محمدامین (۱۳۹۹)، «کوله‌بری به زودی رسمیت می‌یابد/درج شناسه کالا برای اقلام کوله‌بران»، مشاهده‌شده در تارنمای www.mehrnews.com، تاریخ انتشار خبر ۱۲ تیر ۱۳۹۹، مشاهده‌شده در ۱۰ بهمن ۱۴۰۰.
- دودانگی، محمد (۱۳۹۵)، «عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران»، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ششم، شماره ۲۳.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۹)، لغت‌نامه، جلد ۳۶، تهران: دانشگاه تهران
- زارع شاه‌آبادی، اکبر و آرزو محمدی (۱۴۰۰)، «درک و فهم پدیده کولبری در شهرستان بانه»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۳۲، شماره ۸۱.
- زمانی، غلامحسین و فضل‌اله بهرامی (۱۳۸۱)، «مشارکت مردم در حفظ و بهره‌وری از منابع طبیعی»، تعاون، شماره ۱۳۶.
- سلطانی شیرازی، الیزابت (۱۳۸۷)، «بررسی عملکرد تعاونی‌های مرزنشین استان فارس طی سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵»، مجله اقتصادی، سال ۸، شماره ۷۷ و ۷۸.
- شاپیرو، سوزان پ. (۱۳۸۶)، «جرم یقه‌سفیدها؛ نه مجرم یقه‌سفید»، ترجمه امیرحمزه زینالی، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۱.
- شجعی گیسور، مجید (۱۳۸۶)، قاچاق کالا، تهران: نشر به‌آموز (معاونت تربیت و آموزش ناجا).
- شکرپیگی، علیرضا و غفور خونی (۱۳۹۷)، «سیاست جنایی در پیشگیری اجتماعی ناظر به منابع طبیعی و اراضی ملی»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۰، شماره ۱۹.
- شمسی گوشکی، شیما (۱۴۰۰)، «معیار کولبری مرزی امکانی برای زندگی بهتر مرزنشینان»، مشاهده‌شده در تارنمای www.irna.ir، تاریخ انتشار خبر ۲۴ آبان ۱۴۰۰، مشاهده‌شده در ۲۱ اسفند ۱۴۰۰.
- صدریه، عبدالرحمن (۱۳۷۰)، «رشد اقتصادی یک الزام است»، مجله کتاب توسعه، شماره ۱.
- فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۶)، «عدالت بین‌نسلی در بهره‌برداری از منابع طبیعی»، اقتصاد اسلامی، سال ۷، شماره ۲۵.
- کمان‌باز، معصومه، مرضیه علی‌پور، شاهرخ رستمی، حسن پیلارام و سمیه شهرکی ده سوخته (۱۳۹۴)، «تحلیل اثرات اقتصادی - اجتماعی قاچاق کالا بر روستاهای مرزنشین منطقه سیستان»، فصلنامه علوم و فنون مرزی، سال ۶، شماره ۴.
- ماندگار، سهراب (۱۳۹۶)، «عوامل قاچاق و آثار آن؛ راه‌های پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با قاچاق»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره سوم، شماره ۱/۴.
- معصومی، رؤیا و احد قاسمی (۱۳۸۸)، «نقش انسداد مرزی در قاچاق کالا»، مجله اقتصاد پنهان، شماره ۱۰.
- موسوی مجاب، سید درید (۱۳۸۳)، «بزهکاران یقه سفید»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۳ (پیاپی ۳۴).
- میرحیدر، دره (۱۳۷۳)، اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- نوری، جعفر (۱۳۸۲)، «گسترش قاچاق در بستر نابسامان و سیاست جنایی مقابله با آن»، مجله الهیات و حقوق، شماره ۹/۱۰.

انگلیسی

- Ahmed Talukder, M.I. (2019), "Types of smuggling and fight against it", **Indian Journal of Socio Legal Studies (IJSLS)**, Vol. VIII.
- Basu, G. (2014), "Combating illicit trade and transnational smuggling: key challenges for customs and border control agencies", **World Custom Journal: International Network of Customs Universities**, Vol. 8.
- Bateman, T. (2013), **Police warning after drug traffickers' cyber-attack**, BBC News, 13 October 2013, <https://www.bbc.com/news/world-europe-24539417> [last visited at: 14 December 2022]
- Benson, M. L., & Simpson, S. S. (2009), **White-Collar Crime: An Opportunity Perspective**, Abingdon, Oxfordshire: Routledge.
- Braithwaite, J. (1985), **White-Collar Crime**, Annual Review of Sociology 11.
- Briguglii, L., G. Cordina, S. Bugelja, & N. Farrugia (2006), **Conceptualizing and Measuring Economic Resilience**, Economic Department, University of Malta.
- Buehn, A., & M. Farzanegan (2012), "Smuggling Around the World; Evidence From a Structural Equation Model", **Applied Economics**, Vol. 44.
- Eyler, R. (2007), **Economic Sanctions; International Policy and Political Economy at Work**, USA: Palgrave Macmillan
- Freiberg, A. (2001), **Sentencing white collar criminals**, Melbourne: University of Melbourne
- Levi, M., & N. Lord (2017), **White-Collar and Corporate Crime**, The Oxford Handbook of Criminology, 6th Ed., Oxford: OUP.
- Shapiro, S. P. (1990), "Collaring the Crime Not the Criminal: Liberating the Concept of White-Collar Crime", **American Sociological Review**, Vol. 55.
- Victoria, A. (2019), **White Collar Crime**, Universidade Autónoma de Lisboa Luís de Camoes at <https://www.researchgate.net/publication/331990451>.